

زیادی برای اداره این شرایط داشت و موفق هم بود. ما در مقاطعی قرار داشتیم که فراکسیون امید زیر فشارهای زیادی بود و آقای عارف توانست این فشارها را مدیریت کند. در مواردی فراکسیون توانست موفق باشد و افرادی را به شوراها و هیأت‌های مهم کشور بفرستد و برخی طرح‌ها و برنامه‌های مد نظر این فراکسیون در مجلس پیش برود. نباید عملکرد فراکسیون امید را منفی معرفی کنیم، به نظر من متوسط بوده است.

■ **آیا مشکل کارآمدی مجلس را مشکلی می‌دانید که بقیه نهادهای نظام هم کم و بیش درگیر آن هستند؟ همین چند روز قبل آقای روحانی از تفسیرشورای نگهبان از اصل ۱۱۳ قانون اساسی انتقاد کردند و در حقیقت این تفسیر را دخیل در کیفیت کار**

رئیس جمهوری دانستند.

بله. این محدود شدن قدرت و اختیارات نهادهای انتخابی منحصربه‌مجلس نیست. دولت هم همین طور است. مثلاً دولت دوازدهم برای معرفی کابینه در اول کار خودش دستش باز نبود و برایش تعیین تکلیف می‌شد. این کاملاً روشن بود که از جاهایی فشار وارد می‌شود. ما وزیری داشتیم که گزینه بیست و یکم دولت بود و رأی آورد و این‌ا اصلاً خوب نیست. اینها نشان می‌دهد که دولت هم همین محدودیت‌هایی را که منجر

به ناکارآمدی می‌شود دارد و اینها باید اصلاح شود. البته به رفتار رئیس جمهوری هم بستگی دارد همین طور که در مجلس تا حد زیادی به رفتار رئیس مجلس بستگی دارد. در خیلی از جاها

ن نباید زیر بار بروند اما می‌روند. وقتی از اختیارات رئیس جمهوری است که وزیر تعیین کند، اینکه دیگران بیایند برای او تعیین تکلیف کنند درست نیست و متأسفانه رؤسای جمهوری ما نتوانستند بدرستی از اختیارات و حقوق قانونی

خودشان و در واقع از حقوق مردم دفاع کنند. طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی رئیس

جمهوری می‌تواند هرچا تخلف از قانون اساسی دید تذکر یا اخطار قانون اساسی بدهد و به این وسیله مردم و افعال عمومی را در جریان قرار دهد ولی به

پنهان تفسیر شورای نگهبان که در واقع این اصل را از قانون اساسی حذف کرده است این کار را نمی‌کنند. به نظر من باید این کار را انجام دهند چون تفسیر شورای

نگهبان با هیچ عقلی جور در نمی‌آید.

■ **منتقدان و مخالفان نهادهای انتخابی در همین شرایط بحثی را مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه این نهادها در شرایط فعلی نه تنها کارآمد نیستند بلکه مشغول حاشیه‌سازی هم هستند اما در مقابل نهادهای دیگری مثل نظامی‌ها دارند بی‌سر و صدا کار می‌کنند و مشغول انجام وظایف هستند و کارآمد هم هستند.** این دوگانه‌سازی را

قبول دارید؟

خیلی هم بی‌سر و صدا نیستند. تبلیغی که برای کارهای اینها می‌شود برای هیچ کس نمی‌شود. آنها صرفاً کار خودشان را نمی‌کنند، مشغول کارهای غیرخودشان هستند. این کارهای عمرانی و افتتاح طرح‌ها کار نظامی‌ها نیست. اینها دخالت در کارهای دیگران است. ارزیابی درست از کار نظامی‌ها زمانی است که خدای کارده جنگی رخ دهد و اتفاقی بیفتد. الان که اتفاقی نیفتاده.

■ **برخی می‌گویند این اتفاق به این دلیل رخ می‌دهد که دولت‌ها یا نهادهای انتخابی عرضه انجام کار ندارند و نظامی‌ها مجبور هستند خلأ ناشی از آن را در کشور پر کنند.** شما این منطق را چقدر قبول دارید؟

این درست نیست. باید فضا باز باشد تا دولت بتواند کار کند. وقتی دولت هنوز نمی‌تواند وزیر مورد قبولش را بگذارد و از چند جا به او فشار می‌آورند یا موازی‌کاری وجود دارد و اینها خودشان می‌روند جای دولت را می‌گیرند، معلوم است که دست دولت بسته می‌شود. اصلاً ورود اینها به سیاست و اقتصاد اشتباه است.

تاکنون هم از این قضیه ضربه خورده‌ایم. به‌عنوان مثال در ساختن فرودگاه‌ها امام خمینی نظامی‌ها دخالت کردند و به می‌بینیم که نتیجه خوبی نداشت و اصلاً قابل مقایسه با فرودگاه‌های بزرگ دنیا مثل فرودگاه استانبول و فرودگاه دوبی نیست. کاری را که بلد نیستیم باید به پیمانکار خارجی بدهیم تا یاد بگیریم و بعد در جاهای دیگر اجرا کنیم.

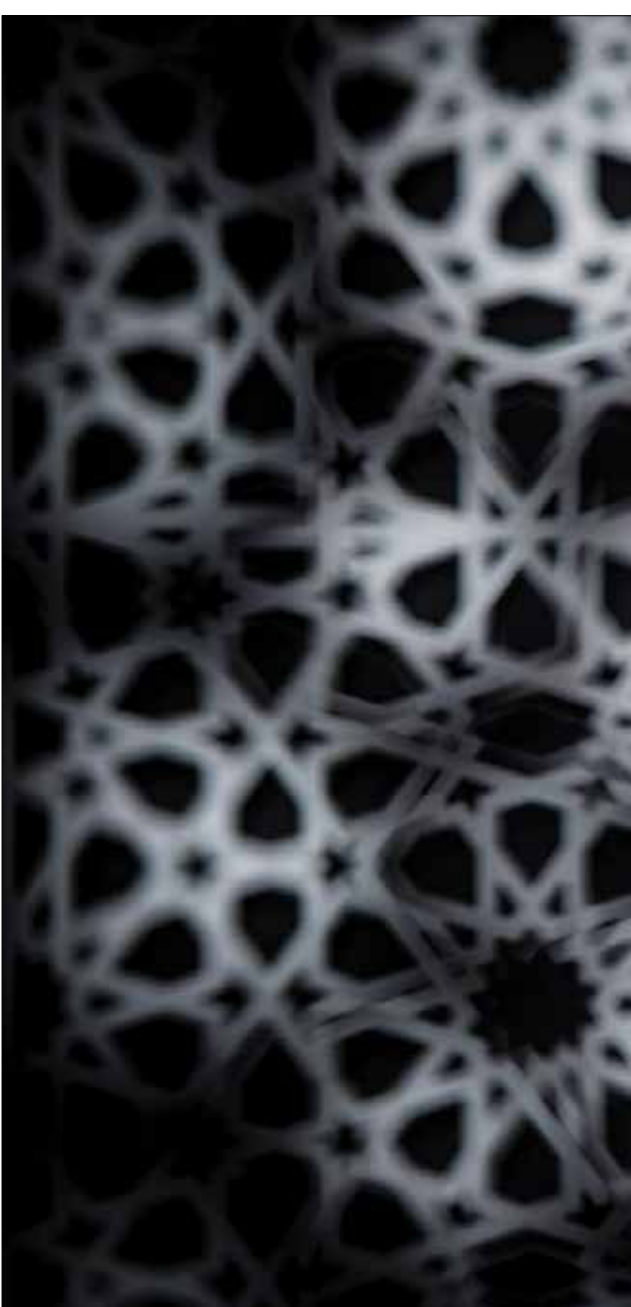
■ **قبول دارید این دست مسائل مصداق همان چیزهایی است که آقای روحانی گفته بود: ۴۰ سال است حل نشده و برسر آن به توافق نرسیده‌ایم؟ این وضعیت به هر حال کار یک سال و دو سال نیست و چند دهه است که وجود دارد، اینها کجا باید حل شود؟**

اینها قابل حل بودند به شرطی که رؤسای جمهور قوی و با اراده‌ای می‌آمدند و اجازه نمی‌دادند اوضاع اینگونه شود.

فرضا برخی از افراد با تجربه‌تر سیاسی می‌بایست از افراد با تجربه‌تر سیاسی نیز در اطراف خودش استفاده می‌کرد نه صرفاً آدم‌ها و چهره‌های جوان و کم تجربه. در انتخابات هیأت رئیسه سال چهارم مجلس این موضوع آثار خودش را نشان داد. افرادی مثل آقای تاجگردون، تابش و بنده که تجربه بیشتری در مجلس داشتیم معتقد بودیم اگر ما بپیایم و فهرست ۱۲ نفره مستقل برای هیأت رئیسه بدهیم طرف مقابل موضع می‌گیرد و دو فراکسیون دیگر متحد می‌شوند و ممکن است برخی کرسی‌ها را از دست بدهیم. اما جواترها اصرار داشتند که ما باید هویت خود را اثبات کنیم و در نهایت به همان روشی که آنها می‌گفتند عمل شد و به نظر من فراکسیون امید از این کار ضربه خورد. البته آقای عارف به نظر جمع احترام می‌گذارد و اصول کار تشکیلاتی را رعایت می‌کند و در مجموع فراکسیون امید را خوب حفظ و اداره کرده است و نگذاشت از هم بپاشد.

■ **یعنی باز هم در این شرایط این احتمال وجود داشت که فراکسیون امید از هم بپاشد؟**

بعد از جدا شدن مستقلین و ماندن آن



جلسه‌های معمولی ایران

ادامه از صفحه ۸

■ **شما که در داخل مجلس هستید فکر می‌کنید آن ائتلاف برای مجلس یازدهم باز هم شکل بگیرد یا خیر؟**

فعلاً که چنین چشم‌اندازی نیست. یعنی امید‌ی‌ها بیشتر روی ائتلاف نکردن و استقلال خودشان تأکید دارند و اعلام کرده‌اند که این کار تجربه خوبی نبود و از کاری که کردند راضی نیستند. ولی اینکه بعداً در عمل چه پیش می‌آید خیلی روشن نیست.

■ **اینکه این ائتلاف تجربه خوبی نبود، شما هم قبول دارید؟**

این ائتلاف آثار خوبی نداشت اما می‌توانست داشته باشد. یکی از عواملش رفتارخود فراکسیون امید بود و از آن طرف فراکسیون مستقلان. اینها به هم نزدیک بودند ولی از همان نقطه اول درگیر شدند. امید‌ی‌ها آنها را به خاطر خروج شان متهم کردند به خیانت در حالی که می‌توانستند نرم‌تر درباره اینها حرف بزنند. خیلی جاها می‌توانستند با هم ائتلاف و گفت‌وگو کنند. حتی این ظرفیت را داشتند که تمام کرسی‌های یک نفر از فراکسیون ولایی هم وارد هیأت رئیسه شود. البته من معتقدم در هیأت رئیسه باید از همه فراکسیون ها باشند. اما این دو فراکسیون به خاطر اختلاف در مسأله ریاست مجلس ائتلاف نمی‌کردند، خود به خود موضوع به شکل دیگری شد. فرضاً برخی از افراد

مستقلان خروج شان غیراخلاقی بود اما

این دلیل نمی‌شد که ما اینها را به‌عنوان

دشمن تلقی کنیم و بگوییم خیانت

شده. آنها هم علیه امید سخن بگویند و

همدیگر را خشنی کنیم. نتیجه‌اش را هم

دیدیم که به چه شکلی در آمد. اگر با هم

کار می‌کردند آثار بهتری برای مجلس

داشت.

■ **در این سال‌ها مقابل آقای عارف کسی**

کاندیدای ریاست فراکسیون امید نبود.

دلیلش چیست آیا کسی تمایل نداشت؟

کسی به احترام آقای عارف کاندیدای

ریاست نمی‌شد.

■ **در فراکسیون امید آیا هیچ گاه بحث نشد**

که گزینه دیگری جز عارف نامزد ریاست

مجلس شود؟

در سال دوم صحبت آقای پزشکیان بود

که حتی فراکسیون هم به آن رأی داد اما

ایشان قبول نکردند.

■ **در حال حاضر بیشترین فشار از جانب**

افکار عمومی در قبال مجلس روی

فراکسیون امید است و این مجموعه

بیشتر از بقیه مجموعه‌های مجلس در

حال نقد شدن است. آیا این را قبول دارید

که عملکرد فراکسیون امید را ضعیف بوده یا

فکر می‌کنید این انتقادات به دلیل دیگری

است؟ شما در مجموع عوامل سیاسی چه



فیلم مصاحبه با دکتر علی مطهری نماینده تهران در مجلس همزمان در سایت ایران آنلاین (www.ion.ir) و شبکه‌های اجتماعی روزنامه ایران قابل دسترسی است.

شود و نظر بدهد. الان شاید ۲۰۰ نماینده در مجلس نظرشان بر رفع حصراست اما کاری نمی‌کنند چون ملاحظاتاتی دارند. این بد است و باید درست شود. هرچا که کاری برخلاف قانون اساسی انجام می‌شود مجلس باید وارد شود.

■ **از میان وظایف نظارت و قانونگذاری فکر می‌کنید مجلس در کدامیک ضعیف‌تر است و کارش اثر کمتری دارد؟**

در نظارت. ما نیاز چندانی به قوانین جدید نداریم و اتفاقاً تراکم قانون هم داریم به‌طوری که مجری هم گیج می‌شود. می‌توانیم درامر نظارت، دقیق‌تر و فعال‌تر باشیم.

■ **ما با همه این اوصاف چند ماه دیگر انتخابات مجلس را داریم و اهمیت مشارکت مردم برای همه روشن است. شما افق روشنی درباره این مشارکت در انتخابات می‌بینید؟**

مردم باید شرایط را درک کنند که مشارکت بالا در انتخابات آینده برای کشور تأثیر بسزایی دارد. وقتی در دنیا اعلام شود مثلاً ۷۰ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند روی جایگاه ایران تأثیر می‌گذارد و همین‌طور در تصمیماتی که دولت‌های آمریکا و اروپا در ارتباط با ما می‌گیرند مؤثر است. در شکستن تحریم‌ها مؤثر است. وقتی آنها احساس کنند این نظام پشتوانه ندارد، در حل مسائل و مشکلات و تحریم‌ها خیلی مؤثر است. مردم حتماً انتقاداتی دارند و در سختی هستند اما باید توجه داشته باشند که اگر مشارکت نکنند اوضاع بدتر می‌شود. هم از نظر جهانی اوضاع بدتر می‌شود و هم از نظر ورود افراد تندررو. مردم هرچقدر کله‌مند هستند بهتر است حتماً در انتخابات شرکت کنند. از آن طرف هم شورای نگهبان افراد شاخص و مورد توجه مردم را صرفاً به خاطر انتقاد از نظام رد صلاحیت نکند تا مشارکت بالا

برود.

■ **شما گفتید مردم باید شرایط را درک کنند. آیا حاکمیت هم باید شرایط را درک کند و در برخی حوزه‌ها در قبال مردم تغییر رفتار دهد؟**

حتماً باید چنین شود. مردم و حاکمیت باید همزمان شرایط را درک کنند. مثلاً در سیاست خارجی اگر مسائل ما با عربستان

و امارات حل شود که نشانه‌هایی

وجود دارد یا در زمینه مناسبات با اروپا

اتفاقاتی بیفتد و مردم احساس کنند که

مسائل قابل حل هستند، اتفاقات مثبتی

خواهد افتاد. مردم باید احساس کنند

که چشم‌انداز مثبتی هست. الان مسأله

این است که مقاومت مردم نتیجه داده

و شرایط اقتصادی رو به بهبود است

ولی تا نقطه تعادل خیلی فاصله داریم.

مردم می‌گویند ما مقاومت می‌کنیم اما تا

کی؟ این وضعیت تا کجا ادامه دارد؟ باید

نشانه‌هایی باشد که بعد از این چشم‌انداز

متفاوتی وجود دارد.

■ **برای داخل چه؟**

بله، سیاست داخلی نظام هم باید تغییر

کند و مردم آزادی فکر و بیان را بهتر حس

وقتی قدرت در یک جا متمرکز می‌شود

را اصلاح کند. این سخت‌گیری‌هایی که

بر روزنامه نگاران و منتقدان و هنرمندان

می‌شود باید کنار گذاشت. ما چه سودی

از این کارها و فشارها برده‌ایم؟ کسانی

که سختگیری می‌کنند فکر می‌کنند اگر

این جور کارها را نمی‌کنند نظام باقی

نمی‌ماند. اما برعکس است، اگر این کارها

را نکردد بودیم و با مردم بهتر برخورد

می‌شد، الان نظام مستحکم‌تر بود.

■ **شما برای انتخابات مجلس یازدهم**

کاندیدای می‌شوید؟

هنوز تصمیم نگرفته‌ام.

ساختار اقتصادی ما نیازمند اصلاحات بنیادین

است و اولینش از نظر من این است که نهادهای

حاکمیتی از اقتصاد خارج شوند و به رقابت

با دولت و بخش خصوصی پایان دهند. ستاد

اجرایی فرمان امام، بنیاد مستضعفان و امثال

اینها امر موقت بودند برای اوایل انقلاب نه اینکه

تبدیل به کارتل اقتصادی شوند

حقوقی دارد و حل نمی‌شود مگر اینکه تصمیم اساسی را معطوف به اصلاح برخی ساختارها بگیریم؟

همه‌اش حقوقی نیست، برخی اجرایی است. اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی حق قانونگذاری ندارد مسأله اجرایی است. رئیس جمهوری آنجا خودش رئیس است و باید جلوبیش را بگیرد. جاهایی هم که دست ایشان نیست می‌تواند و باید درباره‌اش با مردم حرف بزند. مثل همین نظارت استصوابی.

■ **این، بارها توضیح داده شده.**

به اندازه کافی نبوده. روش اجرای نظارت استصوابی قابل بحث است. البته صدا و سیما هم همراهی نمی‌کند. اینکه به رئیس جمهوری می‌گویند شما قبل از نامزدی اینها را اطلاع داشتید و الان نباید بگویید، حرف درستی نیست. اما اجرای قانون اساسی است. نمی‌شود گفت چون این تخلفات وجود داشته و شما با علم به این تخلفات رئیس جمهوری شدید پس باید بسازید، بلکه رئیس جمهوری وظیفه دارد کشور را برگرداند به قانون اساسی. رئیس جمهوری می‌تواند خیلی جاها عمل کند، مثل بحث ورود نظامی‌ها به اقتصاد. برخی هم جنبه حقوقی دارند که باید درباره‌اش حرف زد و مذاکره کرد و حتی با رهبری وارد گفت‌وگو شد مثل همین نظارت استصوابی که خود ایشان گفته‌اند این موضوع قابل بحث است.

■ **برگردیم به همان بحث مجلس؛ زمانی آقای احمدی‌نژاد گفت که مجلس در رأس امور نیست و شما منتقد این حرف بودید. آیا هنوز بر همان باور هستید؟**

بله. استدلال ایشان این بود که زمانی که امام گفتند مجلس در رأس امور است زمانی بود که مجلس نخست‌وزیر را تعیین می‌کرد. ایشان می‌گفت این برای

قبل از بازنگری قانون اساسی بود، بعد

از آنکه رئیس جمهوری مستقیم از سوی

مردم انتخاب می‌شود، دیگر مجلس

در رأس امور نیست. ولی این را ما قبول

نداریم. پارلمان همیشه نماینده مردم

و مظهر دموکراسی است و مانع استبداد

دولت و هر نهاد دیگری در کشور است.

وقتی قدرت در یک جا متمرکز می‌شود

احتمال استبداد زیاد است. اساساً فلسفه

وجود مجلس در درجه اول مبارزه با

استبداد است.

■ **منظور من به لحاظ عملی بود؛ آیا از نظر**

عملی در رأس امور است؟

می‌تواند باشد و در همین شرایط هم

می‌تواند وارد خیلی از مسائل شود.

■ **اینکه می‌تواند باشد درست. الان هست**

یا نه؟

در همین شرایط اگر عده‌ای شجاعت

داشته باشند می‌تواند باشد. مثلاً درباره

مسأله ادامه حصر مجلس می‌تواند وارد

نگهبان ملاک است. خب این یعنی چه؟ چیزی را مخالف هستید وارد دستور نمی‌کنید تا زمانش بگذرد و بعد بگویید نظر شورای نگهبان حاکم است. به نظر من آیین‌نامه مجمع تشخیص مصلحت نظام هم باید مثل آیین‌نامه‌های دولت از نظر انطباق با قوانین به تأیید رئیس مجلس برسد.

■ **در رابطه با همین مسائل آقای روحانی چندبار بحث همه پرسى را مطرح کرده بود. اما به نظر رسید که پشتیبانی خوبی از آن نشد.**

ایشان باید بگوید در چه موضوعی، وقتی موضوع مشخص نیست حمایتی جلب نمی‌شود.

■ **آقای شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان، گفته بود که منظور آقای روحانی از همه پرسى بحث مذاکره و رابطه با آمریکا است. آیا این موضوعی است که از نظر**

شما پتانسیل همه‌پرسى را داشته باشد؟

البته مذاکره با رابطه فرق دارد. رابطه از اول هم قرار نبوده قطع شود و تابو نیست، مثل رابطه با انگلیس و سایر کشورهای غربی. اما مذاکره بستگی به شرایط دارد. در هر دو مهم این است که

از مواضع خود عقب‌نشینی نکنیم. اینها استدلال شده که کدام به صلاح است. موضوعاتی است که به نظر من با بحث و گفت‌وگو قابل حل است. برای مردم

استدلال شده که کدام به صلاح است. رفتارندوم نمی‌خواهد. خود سیاسیون و

مقامات کشور باید درباره‌اش تصمیم بگیرند که چه منافع و مضاری دارد. مثلاً

درباره رابطه مسائل اجرایی است مثلاً

است که به دلیل ماجرای سفارت امریکا

رخ داد و خود آنها قطع رابطه کردند.

ضمن اینکه ایجاد رابطه هم به معنی

پذیرش سیاست‌های آنها نیست کما

اینکه رابطه ما با سایر کشورهای غربی به

معنای پذیرش سیاست‌های آنها نیست.

باید به مردم توضیح داده شود که این

نداشتن رابطه به نفع اسرائیل و عربستان

است. البته برخی سیاسیون به بهانه

اینکه نظر رهبری چنین است و دیگران

نباید اظهارنظر کنند باب گفت‌وگو را

می‌بندند ولی این کار درست نیست و

خلاف روش خود مقام رهبری است چون

ایشان چندبار گفته‌اند ممکن است کسی

نظری مخالف نظر من داشته باشد، باید

آزاد باشد که حرفش را بگوید.

■ **خب درباره خیلی مسائل مثل نظارت**

استصوابی که دیگر بحث رهبری مطرح

نیست. الان مخالفان می‌گویند آقای

روحانی و هر کس دیگری که مسئولیتی

بواسطه رای مردم گرفته‌اند مثلاً موضوع

نظارت استصوابی را یا مسائل دیگری را

می‌دانستند، اما حرفی نزدند و کاندیدا

شدند و رای آوردند و آن‌ها در انتخاب

شده‌اند مشغول گلابه هستند. آیا با این

وضع فکر نمی‌کنید بسیاری از مسائل کره